

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

شنبه ۲۳ نوامبر ۲۰۱۹

مرجان کمال

تحریک طالبان

نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری

قسمت چهارم

دل تنگ تو ام جانا، هر دم که روم جایی
با خود نگهدارم، یاد تو و تنهایی



مصالحه ملی:

استفاده از چوکات های پراکنده و استدلالی و کمک به دادن مشروعیت برای فرمانروایی و رجعت به «ایدیولوژی قبایلی»، یک شکل خاص قشر بندی می باشد که به صورت بسیار قوی تأمین کننده مشروعیت موروثی بودن است. با وجود آن این ایدیولوژی می تواند به یک ناقل اعتراضات تبدیل

گردد و مخصوصاً با سهمیم شدن در منطق پارچه پارچه شدن و ضعیف شدن جامعه افغان که سبب موجودیت یک درگیری دوامدار می گردد.

قومندان های جهادی که در درگیری های مسلحانه بر علیه شوروی ها مبارزه نمودند، برنده و مستفید شدگان بزرگ پروگرام باز سازی دولت تحت رژیم کرزی می باشند. آن ها از برکت دو دهه جنگ و تغییر شکل ساختار های اقتدار زیاد، آموختند و موفق گردیدند که خود را به حیث یک پُل ارتباطی بین دولت افغان و شرکای خارجی آن بگنجانند. این مؤقف شان نمایانگر یک قمار مهم تفرقه دولت گردیده و بالای تأسیسات دولتی تأثیر انداخته و از آن امکان خطر یک درگیری ابدی و دوامدار خشونت مسلحانه می رود.

ایدیولوژی قبایلی توسط اشخاصی که از طرف دولت انتخاب گردیده اند، استعمال می گردد، زیرا این برایش اجازه می دهد که از آن یک استدلال فرهنگی و سمبولیکی دریافت نموده و خوشبین و امیدوار برای قدرت موروثی خود باشد. لکن این ایدیولوژی می تواند باعث اعمال ضد دولتی نیز گردد.

بالاخره این ایدیولوژی خود را مشروعیت می دهد توسط موجودیت تفرقه ها بین گروپ های مردم و نتیجه آن بلند بردن تفرقه در محلات می باشد.

لغات آستی ملی مانند تحکیم صلح و برقراری امنیت مانند تحکیم امنیت توسط اشخاص متحد دولت برای مشروعیت دادن به اقتدار شان زیاد استعمال می گردد، استعمال این سیستم جهت مشروعیت دادن شان منشاء خود را از رژیم قبلی می گیرد. این تفاوت ها بین اشخاص مقتدر و دیگر قطعات مردم برای شان اجازه دخول به سیستم نو سیاسی را که روی کار آمده است، داده و به مشروعیت دادن شان سهمیم می باشد.

سخنرانی کرزی در ولایت لهوگر:

کرزی در یک سخنرانی در ولایت لهوگر موضوع مصالحه ملی را برای مشروعیت دادن جنگ علیه تروریست ها مورد استفاده قرار می دهد. روی هم گذاشتن این دو چوکات برایش اجازه می دهد تا تمام درگیری ها را چوکات بندی نموده و آن را در یک رقابت، که افغانستان را در مقابل پاکستان قرار داده است، می گنجانند.

مجموع آن اجازه به ساختن یک متن همگانی و عامه که بالای چندین چوکات متصل گردیده و به عمل دولت بر مبنای عشق به وطن مشروعیت می دهد.

«زمانی که بیت الله مسعود می گوید، من میروم در افغانستان، خارجی ها و افغان ها را می کُشم، پس دفاع ما چه شد؟

دفاع ما، عذر و زاری؟

وقتی ملا عمر پاکستانی می گوید، که وی مئسول یک حمله توسط بمب در جلال آباد می باشد، پس چطور ما از خود دفاع کنیم؟ شعر گفتن باشد؟ یا تأمین امنیت و نجات دهنده؟

به همه حال ما کُشته می شویم، پس بهتر است پای پیش گذاریم و برویم خود را در همان جا بکشیم، تا دشمن نتواند به این جا بیاید».

با این گونه گفتار ها و سخنرانی های پراکنده می خواهد که به سیاست خود مشروعیت داده و با ساختن یک چوکات ابتدایی بالای نگرانی های مردم که به امنیت ارتباط می گیرد و با طرح یک چوکات از مدل سابقه فرمانروایی یک تعداد را بالای بقیه مردم به سبک میراثی مشروعیت دهد. داخل شدن در یک طرح اقتدار تاریخی، مانند برگشت دوباره بازیگران سیاسی و اجتماعی که باعث تهداب اجتماعی دولت گردیده و به این شخصیت های نو اجازه می دهد تا ساختار های پراکنده را با اتکاء بالای امکانات فرهنگی و سمبولیک قوی ایجاد نمایند.

با این همه قشر بندی شدید ساختار های پراکنده که سبب مشروعیت دادن به سلطه گری می شود، و در نتیجه در داخل کدر قرار دادن را آسیب رسانیده و سبب داخل شدن متن مخرب در یک مکان گردیده و باعث سقوط بنا های عامه و با مشروعیت سلطه گری قدرت های محلی خود را ظاهر می سازد.

ادامه دارد